

در خاور میانه چه گذشت؟

جنگ خاورمیانه صفحات درخشان تاریخ خلق های عرب و یهودی فلسطین و مصر سوریه نوشت. جنگ خاور میانه بار دیگر نشان داد که هرگاه خلق هابری دفاع از استقلال و آزادی و سر بلندی خویش برمیخیزند حماسه می آفرینند. در این جنگ حتی کارشناسان نظامی غرب "از رزمجویی سربازان عرب که ضوفا ایستاده و جان می دهند زمین را بدست نمی سوزند پیشگفتی افتادند" (لوموند ۱۷ اکتبر). کدرا از ترعه سوئز و در هم شکستن استحکامات آسمانه آسای اسرائیل در درجه اول نتیجه شورش سربازان عرب بجان بازی بود. یکی از کارشناسان نظامی غرب در مورد جبهه جولان گفته بود: "پیکر اسرائیلی ها از خط آتر پس ۱۹۶۷ بسیار سختی صورت گرفت و جنان قیمتی تمام شد که نیروهای ژنرال دایان نخواهند توانا در حاد و دمشق به پیش برانند. در مراحل پایتخت سوریه تسخیر شدنی نیست. تمام اهالی پایتخت - قریب یک میلیون مسلح شده اند و مصمم به نبرد اند (این امریکه ناظران آشکارا است). حتی در روزهای که بمباران های طولانی اسرائیل صورت گرفت بهین وجه دیده شد که مهاجرت از پایتخت برای اهالی مطرح باشد. در دمشق چه بسا کودکانی را می بینید که در بیدار و بخوابان جیماته زده و نقشه ای روی زمین کسترده اند و با لورده بیحکمت و زبانه و وضعیت نظامی مشغول اند" (تنگ جنگ خاور میانه باعث تحکیم همبستگی خلق های عرب گردید. هیچ دولت عربی هم در هم ارتجایی نمی توانست در برابر خلق خود کباب اشتیاق بی پایان خواستار شرکت در جنگ بر علیه اسرائیل بود مقاومت کند. همبستگی خلق های عرب باید که بر گزین روزی صورت یک سیستم هم آهنگ در پی آمد. دولت های تمام استعداد انظامی خود را در اختیار سوریه و مصر میگذارد دولت های کلک های مالی موثر میسرستانند و دولت های سربازان میباشند. نفت کشورهای عربی بنابه اسلحه موثر اقتصادی و سیاسی بر علیه اسرائیل و حامیانش مورد استفاده قرار میگرفت. خلق های عرب از جنبش های فعال و پدیدار و یکسره خلق های جهان و جمهوری توده های چین و هند و دولت های سوسیالیستی و هند امپریالیستی برخوردار بودند.

جنگ خاور میانه افسانه شکست ناپذیری اسرائیل را بر باد داد. اگر بیرونی سازمان و افسران تجاوزکار آمریکاد راد بیرو تلوژیون جموری دموکراتیک ویتنام زبان بنده امت میگردند این بازنویسه صهیونیست های تبهکار اسرائیلی بود که در راه و تلوژیون قاهره از شکست نقشه های فرماندهی خویش و از پایتخت محسین انکیرو جنگ آزادی کی سربازان و افسران عرب سخن بگو خلق های عرب بدست خود آزموه نده که اسرائیل به این گماشته برهیت امپریالیسم آمریکا چه چیز دیگری جز میرگفتنی نیست. اسرائیل که مانند آلمان معیلتی به جنگ بری آساتیکه دارد این مرتبه با مقاومت سرسخت خلق های عرب روبرو شد و بر نخستین بار در برابر جنگ طولانی قرار گرفت. جنگی که به با توجه به حقایق اعراب و نژاد و عقیم انسانی و منابع مالی و اقتصادی آنها و پشتیبانی بردامه و کم سابقه بین المللی و مسلما روز بروز بیشتر شود خلق های عرب جویان می یافت. قدرت خلق های عرب در جنگ خاور میانه و بیتر از پیش در پی که پیش سر اسرائیل امپریالیسم آمریکا ایستاد و جنگ آنها را با بر علیه امپریالیسم آمریکا است. از این جهت یورش خلقی ها و دولت های عرب بر امپریالیسم آمریکا و نمایندگان آن منافع او شدت گرفت. در چنین شرایطی بود که امپریالیسم آمریکا و سوسیالیسم امپریالیسم ضروری وارد توطئه شدند تا صهیونیسم را از زیر ضربا خلقی های عرب بیرون بکنند و حالت بقیده رصحه ۲

به توفان کمک مالی بوسانید

روشن فکران در نبرد بزرگ اجتماعی

اودر زندگی بر معلومات شخصی و استعداد شخصی و متفکرات شخصی تکیه دارد و نیروی خود را در این ویژگی های شخصی جستجو میکند. شخصیت خود را آنگاه برجسته می بیند که مشخص از دیگران باشد. نکته من مقاله من و مطلب من از اول کاله من... شاخص شخصیت اوست. از این جهت در مبارزه اجتماعی نیز تمایل براهی است که شخصیت تمایز او را در دیگران حسل نکند.

این روحیه در نقطه مقابل روحیه کارگران است. یک کارگر کارخانه دغایبات در توصیف کار خود هرگز نمیگوید سیگارهای من بلکه میگوید سیگارهای ما. زیرا که هیچکس از دانه های سیگار ساخته او نیست اما همه سیگارها ساخته همه کارگران است و در هنگام اعتصاب آن نیروی خود بلکه از نیروی جمع صحبت میدارد و به نیروی جمع متکی است. در روز سکر به عموم کارگران امید می بندد زیرا که بدون آنها هیچ است و با آنها همه چیز.

اما روشنگر در نبرد اجتماعی نیز انفراد طلب و یا به گروه کوچکی تیاران روشنگر قانع است. مبارزات گروه های مختلف روشن فکران ایرانی در سال های اخیر گواه این حقیقت عام است. این با آن معنی نیست که روشنگران مذکور به تود مفرقه بیمهرانه برعکس آنها بخاطر توده مردم قدم بپسند ان جانباوری نهادند. ولی دستداری خلق با اعتماد بخلق و ایمان به نقش تاریخی پیش آهنگ طبقه کارگر یکسان نیست. چه بسا روشن فکران که دست نوازش بر سر خلق میکشند اما در عین حال خلق را چون طفل نابالغی می پندارند که باید با اشاره تعلیمی آنها ببیند. و این برخورد باعث میشود که زود رنج و بهانه گیر باشند و از خلق بسوی خود بگریزند.

علیات متفرد روشن فکران و بیشتر در کشورهای رواج دارد که یا طبقه کارگر در آنها هنوز به نبردهای بزرگ اجتماعی دست نزده و یا حزب طبقه کارگر در اثر غلبه روزیو نیمس نقش پیش آهنگ خود را از دست داده است. در کشور بدینج که انقلابیون در طی مبارزه تجربه اندوزند و بنسبتی که احیاء حزب طبقه کارگر در عرصه ایران بتحقق نزدیک شود توجه روشن فکران انقلابی به مبارزات توده های و پیوستن آنها به حزب طبقه کارگر روز افزون خواهد شد.

ما روشن فکرانی را که به عشق مبین و بخاطر خلق و بدشمنی با استعمار و امپریالیسم و به کین تیزی با محمد رضا شاه خونخوار مبارزه برخاسته اند صرف نظر از شیوه آنها برای گرامی میداریم. ما با آنها در نبرد عظیم ملی و ضد امپریالیسم در جبهه واحدی هستیم و آرزویمدیکه در سنگر واحدی باشیم درود بزند انبان سیاسی که بزعم مقاومت و مردانگی را در سیاهچال های محمد رضاشاهی سر بلند نکند اشتباهند! دست جلاز از جان فرزندان شریف خلق کوتاه!

سازمان امنیت دستگیری گروهی از روشن فکران و کارگران سینما را اعلام کرد که گویا در صدد بود واند شباه و فیسرح و ولیعهد را بر بیاورد و گروگان بگیرند و آزادی زندانیان سیاسی را خواستار شوند.

البته هیچ کس به پرورده های سازمان امنیت اعتماد نمیکند و حقیقت حادثه این گروه از روشنگران بد رستی معلوم نیست ولی یک چیز روشن است و آن اینکه رژیم کودتا با این خصم بار دیگر بروز میدهد که روشنگران ایران در دشمنی با وی باید اراند. آنطور که خبر مذکور حاکی است یکی از روشن فکران متهم همان کسی است که میبایست از دست فرج پهلوی جایزه دریافت میداشته و... و این نشانه آنست که حتی در محافل آن روشنگرانی که امکان جلب محبت بر بار و رسوم را دارند نیز آتش خشم و کینه زبانه میزند.

در کشوری که مایور بی سروپای امنیت به دکتر استناد دانشگاه می توید که دستور میدهد که در کوریت را بگیرند و در کشوری که چاقو کشان امنیت نویسنده های را بجرم آزادی در جلوسوی خانه اش خونین می کنند و در کشوری که وکیل دادگستری را می ربایند و دست و پاسته از فراز کوه به دره می اندازند و در کشوری که در هر اداره اش گماشته سازمان امنیت بر سر نشسته کارمند ان حاکم است و روشنگری که لقمه نانی دارد احساس میکند که لعناتش آلوده به خفت و خواری است. عده های از افسران جوان نیز که فرماندهی گروه های عرصه و مغرور آمریکایی بر شخصیت آنها سبلی میزند همین احساس را دارند. منتها رژیم کودتا برای آنکه ارتش را که نیروی ضریقی اوست یک پارچه نشان دهد و انگش افسران جوان و خلق درجه و اخراج و اعدام آنها را بی سرو صدا برقرار میکند.

با آنکه رژیم محمد رضاشاهی ورود هرگونه کتاب و مطبوعه دموکراتیک خارجی را قدغن کرده است و هر فکر ترقی را در ایران سانسور میکند معذک قادر نیست جامعه ایران را بیکاره از محیط سیاسی جهان متفرد گرداند و نخستین کسانی که از این محیط تاثیر می پذیرند روشن فکرانند.

روشن فکران بدستگاه دولتی نزدیک اند و فساد و رشوه خواری و استعمار زدگی و میهن فروشی رژیم را خوب می بینند. اکثریت آنان از قشرهای متوسط برخاسته و از راه روابط خانوادگی و بافتضای شغل از حال توده های زحمتکش و شهید دست با خبراند. عده این ها باعث میشود که مواد قابل انفجار در نهاد اکثریت روشن فکران متراکم گردد. و بویژه سال های اخیر شاهد طفیان روشن فکران ایران است که در مقالات گریخته از سانسور در آثار ادبی و نمایشنامه ها و در برخوردهای مسلحانه تجلی میکند.

اما مبارزه روشنگر عادی دارای خصوصیات زندگی اوست:

واقعیت و نه افسانه

وابسته فقط بخاطر آنست که با بند های اقتصادی و نظامی آنها را بخود وابسته سازند.

اما موضوع به نیروی اقتصادی تمام نمیشود. قدرت عظیم اقتصادی و صنعتی این دو کشور امپریالیستی ناگزیر آنها را از به داشتن قدرت نظامی عظیم میرواند. قدرت نظامی این دو کشور نیز با هیچیک از دولتهای دیگر قابل منسجش نیست. حق آنها برای نگاهداری نیروی عظیم نظامی و برای تکمیل تسلیحات و مدرنیزه کردن آنها و برای نگاهداری ارتش در کشورهای دیگر و نگاهداری پایگاههای نظامی در خارج از کنسولرالیانه

مبالغه هفتگی بصرف میسرانند و آنها نیروی مخرب سلاح هسته ای و انواع موشک حامل آنها بطور عمده در انحصار خود در آوردند. آنها ریاکارانه از منبع آزمایشهای اتمی صحبت میکنند ولی خود از آزمایش های جدید برای تکمیل و تکامل سلاح اتمی و موشک های حامل آن دست برنمی دارند. رقابت شدید آنها در این زمینه بر کسی پوشیده نیست. اکنون این دو کشور هزاران بیست هشتاد میلیارد دلار در اختیار دارند که میتوانند آنها را با موشک های زمینی و دریایی بهر نقطه ای از جهان بفرستند.

آنها برای تسلط بر جهان از سلاح هسته ای مترسکی بزرگ ساخته اند که هر لحظه جهان را با آن تهدید میکند! خلق های جهان باید به اطاعت از آنها بقیده رصحه ۲

سرنگون باد رژیم محمد رضاشاهی

باید گفت که اقدامات ابرقهرت هادرنی حوادث کثیفی حاکی از نفاق است آنان در همین بحال نمود اسرازش های آنان در خاور میانه است و نشان میدهند که در صدد اند و بر این بحال تمسک یافته صلح را با خلق های عرب تمهیل کنند . این باره و آبسور قدرت و طرح قطعنامه ساخته و پرداخته ویرانگانه را شتابند به شورای امنیت دادند و میطلبند که فریاد خود را تصویب قرار گیرد . امکان نمی دهنند که بین دولت های عضو شورای امنیت مشورت کامل بعمل آید و یا عضا شورای اجازه نمیدهند اطلاعات دولت های خود را خواندند و بشنوند . این شیوه تحویل نظریات به شورای امنیت شیوه باطلی است که مانی توانیم بپذیریم . از اینجمله هیئت نمایندگی چین تصمصم نادر از شرکت در شورای امنیت به قطعنامه خود در این روز ...

بالاخره امپریالیسم آمریکا و سوسیالیسم امپریالیسم شوروی غلبه کردند و چون مقاومت اعراب خسته داده شد . در این اثنا صهیونیست های اسرائیلی از فرصت استفاده کرده پس از آغاز آتش بر تصرف قسمت هایی از مواضع اعراب برداختند .

مدخله امپریالیسم آمریکا و سوسیالیسم شوروی و تحویل قطعنامه ۲۴۲ که بر ضرورتش بر نیای عرب بود . حتی برخی از دولت های عربی حاضرید برضن آتش بر نشاندند . نهیست مقاومت خلق فلسطین اعلام داشت که این قطعنامه را که مانع قطعنامه نوامبر ۱۹۴۷ و قرار داد راجع به سرزمین های فلسطین است . ملی اوست برسمیت نمی شناسد و به نبرد های خود برضد اسرائیل ادامه خواهد داد .

اینکه امپریالیسم آمریکا و سوسیالیسم شوروی واحد ها مسلح مرکب از چندین هزار سازمان سازمان ملل و منظور تحویل حالت " نه جنگ و نه صلح " و اعمال فشار بر خلق های عرب به سر خاور میانه فرستادند . مظهر واحد هایی که در ۱۹۶۰ به سر کنگوی انقلابی فرستاده شدند و آنها را یوگوسلاوی فرمان دادند و وابسته به چوبه تحویل دادند . جمهوری تود های چین بافتا این در سبب برداخت و شرکت در اعزام سرباز خود در این روزید . نتیجه نوظئه آمریکا و شوروی هرچه باشد ، جنگ خاور میانه نقش عظیمی در بیداری خلق های عرب و همبستگی آنها بایکدیگر و اتحاد بنفر آنها ، ششاخت و دست از دشمن داشته و دارد . خلق های عرب می آموزند که باز ستاندن سرزمین های اشغالی و استقرا حقوق خلق فلسطین و پیروزی بر صهیونیسم و امپریالیسم فقط از طریق تکیه بر نیروی خود ، بر هم زدن ساختار دو ابر قدرت و آمادگی برای فداکاری و توسل به جنگ مانع نیستند . میسر خواهد شد و این آگاهی و خامن پیروزی های آینده آنها خواهد بود .

درود برشور بخلق های خاور عرب!

در خاور میانه ، " بقیه از صفحه ۱ " " متحدگه و صلح " زاد و باره بسو اسرائیل بازگردانند . مسافر چهار دلالی ها شوریدند . ابرقهرتها رجز خوانندند و بقای مسلح خود دستور آمد و با تر اند و جهان را با بمب اتی تهدید کردند و با لآخره مشترک قطعنامه ۲۴۲ که بر ضرورتش شورای امنیت نظر نشانی آوردند . در آن جلسه نمایند و جمهوری تود های چین که در راهی شرکت نیست چنین گفت :

" هیئت نمایندگی چین در سخن رانی خویش در جلسه شورای امنیت که در اکثریت نظر بر سر تجاوز اسرائیل بر صومالی و فلسطین شد صریحا اظهار داشت : اگر شورای امنیت قطعنامه ای تصویب کند باید کلیه اقدامات تجاوز کارانه صهیونیست های اسرائیلی را شدیدا محکوم سازد و از خلق های مصر و سوریه و فلسطین در عملیات تدارک آنها در امور مقاومت برآورد تجاوز کاران قاطعا پشتیبانی کند و از پشتیبانی اسرائیلی بخواهد کفایت رنگارنگی در زمین های اشغالی عربی بیرون روند و هم چنین استقرا حقوق خلق فلسطین را پیش بینی کند . طرح قطعنامه ای که مانی به سر میله نمایندگان آمریکا و اتحاد شوروی پیشنهاد شده مطابق با مواضع عادلانه مذکور نیست . ضمنا

انقلابی خود را با آمریکا و وسیله ای برای پیروزی سوسیالیسم در مقیاس جهانی می شمارد .

بدیهی است همکاری آنها هرگز از رقابت آنها جدا نیست . رقابت برای گسترش هرچه بیشتر مناطق نفوذ و نفوذ هرچه بیشتر خلق های دیگر . این رقابت و همکاری امروز در سراسر جهان مشهود است و برای خلق متضمن مخاطرات و زیانهای فراوانی است . حوادث خاور میانه و نزدیک طی بیست سال اخیر بویژه طی چند سال اخیر شاهد گویای برصحت مطالب فوق است . اتحاد شوروی برای حفظ و تحکیم نفوذ خود در کشورهای عربی بظواهر از آنها پشتیبانی میکند و لسی بخاطر همکاری خود با آمریکا از تقویت اسرائیل باز می ایستد . اینهمه گد رهای علمی و تنی که از اتحاد شوروی همه ساله به اسرائیل سرزور می شود جز آنکه اسرائیل ، این پایگاه خطرناک امپریالیسم را در خاور میانه و نزدیک تقویت کند و باینکار رضایت خاطر امپریالیسم آمریکا و الطایف آن را بخود جلب کند هدف دیگری ندارد . اتحاد شوروی از جلو خود راند افع اعراب نشان میدهند ولی از پشت به آنها خنجر میزنند . سیاست " نه جنگ و صلح " که مدت شش سال در خاور نزدیک و میانه از طرف " دو ابر قدرت " اعمال شد در عمل جز بسود اسرائیل نبود ، نیست و نخواهد بود . این مدخله گستاخانه ولی بی پروا در امر ابرقهرت فلسطینی کشورهای دیگر ، خطری که مناسبات این " دو ابر قدرت " برای خلق های جهان ایجاد میکند ، برای خلق ها قابل تحمل نیست و روز بروز فزاینده و بیاباره با این " دو ابر قدرت " در صحنه جبهه قوت میگیرد . کنفرانس خیر کشورهای " غیر متعهد " گواه بر این امر است .

روین نیست ها باعث میگردند برواقیت " دو ابر قدرت " سایه بیندند و از این راه خلق ها را نسبت به ماهیت اتحاد شوروی و نقش مزدورانه ای که در صحنه جهان بازی میکند به اشتباه اندازند . افسوس روین نیست ها در زمین گرد و در نخواهد گرفت . خلق های جهان برای العین می بینند که این " دو ابر قدرت " در دشمن بزرگ آزادی و استقلال آنها میباشند ، می بینند که مبارزه ای امان بی گیر با آنها از شرایط نبل به آزادی و استقلال صلح و امنیت جهانی و رفاه و ترقی است .

واقفیت ، بقیه از صفحه ۱ گردن نهیست و زنگه کوبا جنگ هسته ای بشریت را نابود خواهد کرد . آنها جنگ هسته ای را مانند شمشیر داموکلس بر بالای سر خلق های جهان و منظور حفظ اسارت آنان نگاه داشته اند .

عجیبتر آنکه این " دو ابر قدرت " که در راه مسابقه تسلیحاتی هیچ حد و مرزی نمی شناسند ، دام از صلح دم میزنند ، گویی فرشتگان صلح اند و در حالی که بزرگترین سوداگران مرگ اند ، به کشورهای دیگر بظهور دام اسلحه می فروشند و سپس توطئه هایی می چینند که برخی از این کشورهای را بجان برخی دیگر بیندازند . تاد و باره بتوانند کالای مرگبار خود را عرضه کنند . بنا بر گزارش رسمی آمریکا طی ده سال از ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۱ تجارت تسلیحات به رقم ۴۸/۴ میلیارد دلار رسیدند . از این مبلغ سهم آمریکا ۲۲/۷ میلیارد و سهم شوروی ۱۴/۷ میلیارد دلار یعنی این " دو ابر قدرت " به تنهایی ۳۷/۴ میلیارد دلار یعنی بیش از ۷۷ درصد تجارت تسلیحات را در دست داشته اند ، مبلغ ۱۱ - میلیارد دلار باقی مانده سهم پنجاه و چهار کشور دیگر است . تجارت تسلیحات سال بسالی توسعه مییابد . اگر در ۱۹۶۱ رقم تجارت تسلیحات فقط به ۲/۴ میلیارد می رسید در ۱۹۷۱ این رقم تا ۱/۱ میلیارد بالا رفته است (لوموند ۲۴ اکتبر ۱۹۷۳) . در سال جاری فقط ایران قریب ۵/۵ میلیارد دلار اسلحه فقط به آمریکا سفارش داده است .

فروش لطمه همیشه با اعزام مستشاران نظامی همراه است و در نتیجه استفاده از اسلحه برای کشورهای در معمولاً تحت نظارت " دو ابر قدرت " در می آید . در غیر اینصورت کافی است به بهانه های گوناگون از دادن قطعات یدکی خود در این روزید برای آنکه این سلاحها از حیران نفع بیفتند .

آنها در سراسر جهان پایگاههای نظامی بسیاری دارند و هر روز پایگاههای تازه ای برای خود دست و پا میکنند ، کشورهای بسیاری در اشغال ارتش آنها است ، کشتی های جنگی آنها آبهای دریاها و اقیانوسها را می شناسد .

در دنیای امروز هیچ کشور صنعتی دیگری از لحاظ نیروی نظامی با این " دو ابر قدرت " قابل مقایسه نیست . نیروی نظامی تمام کشورهای غرب اروپا ، حتی اگر سلاح هسته ای و اتمی کسای بگذارد ، بهای نیروی نظامی شوروی که بخشی از آن در کشورهای شرق و مرکز اروپا را کفایت نمیرسد .

چنانکه می بینیم این دو کشور نه تنها از لحاظ اقتصادی بلکه از لحاظ نیروی نظامی نیز " دو ابر قدرت " اند و در رقابت با فو حق کشورهای صنعتی پیشرفته قرار گرفته اند . این دو قدرت عظیم اقتصادی و نظامی سودای تسلط بر سراسر جهان را در سر می پیوراندند و در صحنه سیاست جهان خور یکتاز میدان می بندازند . آنها این رسالت تاریخی را برای خود قائل اند که قیومیت خلق های دیگر را بر عهده آنهاست . با

هستای غیر قابل وصفی میگردند با همکاری یکدیگر سیاست جهان را بسود خویش بگردانند ، برای خلق های دیگر ریخت سر آنها تصمیم بگیرند و تصمیمات خود را به خلق ها بقولانند از کشور دیگر معزوفان مبره هائی در سیاست جهانی خود استفاده کنند . آنها هر توفیقی را که میانشان صورت میگیرد در برابر افتاد جنگ سرد و تخفیف کشش بین المللی ، گامی در راه صلح جهانی بنا می آورند و اتحاد شوروی حتی از اینهم فراتر می رود و همکاری ضد

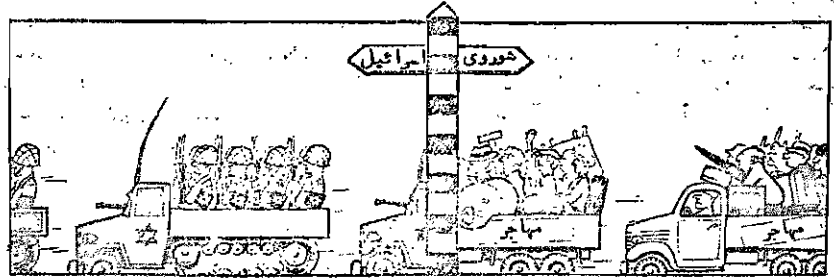
کدام دیکتاتوری؟

« رساله " برخی زمینها و کار در زمان غده ای " (توفان ۷۴) ضمن شرح تفاهت بیانیت مطالب در جنبه صفا کار در زمان توده ای مثالی آورده شده بود که قسمتی از آن چنین است :

" جنبه صفا کار در زمینها از زمینها اینجفت یا زمینها بستند که حکومتی بکنا توری طریقه یا صفا می است و حکومت فوق طبقات بوجود نارد و نیز بر صفا اعلا میذارند در ایران عواد را مستقرا در یکما توری کار کرد و همان است " یکی از فقا بد رستی مفاکر شده است که در ایران اگر چه اتحاد صفا کار کرد با دهقانان یا نه و استخوان بند می جنبه اتحاد بر صفا است طبقات و قشرها و عناصر دیگر آنست یعنی خرده بورژوازی شهری و روشنفکران انقلابی ، بسوزوازی ملی و قشر نبردان میتوانند و بد شرکت جویند . حکومت دموکرا تیک نوین حکومت کلیه این طبقات و قشرها انقلابی عواد بود . از اینجهت در صفا له با بد نوشته میشود که " جنبه صفا کار در " در ایران عواد را مستقرا در یکما توری طبقات و قشرها یا انقلابی (کار کرد) دهقانان ، خرده بورژوازی شهری و روشنفکران انقلابی و بسوزوازی ملی است "

بقیضا خوانندگان گرامی توفان که با اسناد سازمان ما متحد می وی آشنا می آرند نیز بدحت این تذکرات را بید می کنند .

سرباز برای اسرائیل!



تعداد پیرویان مهاجر شوروی به اسرائیل که در سال های ۱۹۶۱ - ۱۹۷۰ ، ۱۰۳۰۰ بود فقط در عرض سال ۱۹۷۱ به ۱۳۹۰۰ تن رسید و در ۲۲۲ تعداد کسانی که برای خروج دریافت داشتند به ۶۰۳۰۰ بالغ شد یعنی ۶ برابر مجموع پیرویان مهاجر آمریکا ، انگلستان و فرانسه در عرض همین مدت . مهاجرین مذکور تیسروای مسلح اسرائیل را تشکیل نقل از بولتن خبری ماهیانه کمیته ملی فلسطین در بولک شماره سیستامبر می رکنند .

«کادرها» بقیه از صفحه ۴
 بجای میسرند که بطور عمیق و بیاریجا خدمت خواهد کرد. بخود میدان و از مبارزه خالی گرفته اند و سبب دیگران میبازند که جبار با آنها تاسی میجویند. وحدت آنها تنها بر سر مبارزه با کلبه تشکل های سیاسی از جمله سازمان «توفان» مارکسیستی - لنینیستی توفان است.

تلاش همرازم آنها، یعنی کسانی که وحدت این توفان و سیاست ندارند و طبیعتاً قادر نیستند بخواهند بود مبارزه ای سالم در سطح سیاسی و آید توفان را سازمان دهند چنان خواهد بود که بهره ای برای محدودت کلیات مخالف اقدام روزنه در شیوه و که آنها میبزرگند شیوه ای خصمانه و اتهام زنانه است. لاجن بپراکنی و شایعه سازی وسیله مبارزه سیاسی در دست این گروه است. پروگرامی در مجامع عمومی و تحریکات در زمین آنها رایج و فراوان دیده میشود. اصلح «عسکری» «رایک» «سازمان» «مبارزه» آنهاست تا مخالفین سیاسی خود را با تیر و کمان بدمت یلیر خفه کند. البته تفرقات سازمانی ما هرگز بدام نخواهند افتاد شیوه ها و اسباب کارگرمی که بدی مبارزه سیاسی اند ما مهینا از شیوه و اسلوب ارتجاعیون جداست و هر چه بدی مبارزه علیه رژیم ایران است حتی با وجود کلبه اختلافاتی که با سایر گروه ها و تشکلهای دارد باید آنها را از گردن بلیس و این روشها حفظ نماید و اسرار آنها را از زمین بپان دارد.

«کادرها» پوششی برای فرار از مبارزه اند. هر چه دلخواست گفت و برای گفتار نیز هیچ مسئولیتی نداریم و با همه نیز مخالف بود احتمالاً از اعتراض کادرهاست. هر کس نیز که حاضر در اقل انصاف سازمانی نبود ولی از کب زدن خوشتر آمدند و خواست آرام آرام و آبرومندانه از این کلبه ریحانه خانی شانه خالی کند چه بپا و ما «واقی بهتر از سایه» «کادرها» میباید آید آنگاه «کادرها» بهترین پناگاه روزنه تفرقات در از کوربیر مدعا میباشند. نظریات مختلف و عدولت درجه مخالف همگی بیان میدارند ولی بر حسب همه آنها «کادرها» است و همه از نام این سازمان بدین عضو و این تشکل برانگیزد استفاده می نمایند. «موجودیت» آنها موجودیت سایر سازمانهاست.

و کنگه آنها بخودی خود ضرورتی ندارند و وظایفای نیز برای آنها نمی شناسند. این خصوصیت تکی «کادرها» است و بدی طرفه از جنبش فکری اند و از جنبش فکری و چاپ و تکنیک فریاد بزرگان مارکسیسم را میبندند و کب مرحله فعلی جنبش را در بیسوادی میدانند. باید آنها را بر سرید نتیجه سه سال جنبش فکری شما چیست و جسمبندیتان که است. بسیاری از کب را که مدعی کبوند تر در جنبش هستید بارها در ایران قبل از کودتای ۲۸ مرداد بجای رسیده است. بسیاری از آثار مارکسیستی ترجمه و انشده دادند و است و آن وقت شما نام آنها را با جباری «پوره» تونیم تاریخی جزب تود «میروید و خود مدعی هستید آنگاه این انتشارات بدست شما انجام کردید بجزه بیاید و تودام معضلات مرحله فعلی حل میگردد.

«کادرها» چه بخواهند وجه نخواهند در تکابل جنبش را ارتزوریک و مغالعه آثار بزرگان مارکسیسم تنها در ریاضه بانایمند بپای شخص جنبش که در ارتزوریکات تشکل سیاسی ضرورتی احساس میشود اهمیت بیاید اسکند ببه بصورت انتزاعی و جدا از تمییم مرحله فعلی مبارزه بر مبنای خواست این ویا آن.

«کادرها» چه بخواهند وجه نخواهند در تکابل جنبش را نفع جنبش خلقی ایران به نفع طبقه کارگران عمل نموده و بپا سد راه این جنبش خواهند بود و اگر در گفتار و رفتار خود مدعی بپا بآید با فسانه «کادرها» پایان دهند و پوشش فرار از مبارزه بنگردد. سطح مبارزه سیاسی را پائین نیاروند و بدست عدای غیر قابل کنترل و متناسب به «کادرها» تسبیارند. این بدی ببنف خلق ایران خواهد بود.

گزارش های جمعی و سمایه و تقنین بین رفقا و توسل بشیوه فرزندانی ضعف تئوریک و ضعف اخلاقی و کجگویی بیش از حد و شکوت در مورد کلبه اسرار حزبی و بازگردن و خواندن نامه ها بدین اجاره سازمان و در تهران از وی و چشم میخور ولی هیئت مرکزی با برابری و شکبائی از طریق انتقاد و انتقاد از خود برتری او هست گماشت. بعد از آن هم که وی بدشمنی علنی با سازمان برخاست و حتی مبلغان و زول سازمان را تصاحب کرد باز هیئت مرکزی با تیر و کمان کوشید او را از راه که در پیش گرفته باز آر. ولی او نه تنها از خرابکاری دست برنداشت بلکه در منفعلانیت خود افزود و هر روز بیشتر از افزایش و تصمیات آوریل ۱۹۷۲ هیئت مرکزی درباره نظریات و فعالیت این شخص که بوقع خود بصورت بخشنامه با اطلاع رفقای سازمانی رسید کاملاً صحیح بوده و با گذشت زمان تا بید شده است. تصمیات مذکور منجمله چنین حاکی است:

«اقدامات این شخصی طی چند ماه اخیر دال بر اینست که او بویزی که نبی اندیشید به مبارزه انقلاب است. هدف او آنچنان که خود او اظهار میدارد «دافان کردن» سازمان توفان است. راهی که برای نیل باین هدف برگزیده راه دروغ گفتن و اتهام زدن و دشنام دادن و حقایق را تحریف کردن و بدین وسیله مشوب کردن از همان رفقای سازمانی و سپانتران های سازمان است. در راه او انقلاب ایران را باید از «دافان کردن» سازمان توفان آغاز کرد. بدییبی است که... بر این فعالیت جز خرابکاری نام دیگری نمیتوان نهاد امروز هر کس که اندکی بمسائل سیاسی وارد باشد میداند کنگه «دافان کردن» سازمان توفان بسود گمست چه نیروهای دافان کار دینفغانند و خاطر آن میباشند. آیا روشن نیست که سازمان امنیت و گروه ریزی نیست حزب تودا ایران نایسود وی سازمان ما را هدف قرار داده و برای نیل بآن از کلبه و مسائل و امکانات استفاده میکند؟ فعالیت خرابکارانه این فرد بخاطر «دافان کردن» سازمان توفان خواه و ناخواه دانسته یا ندانسته در جهت نیات ضد انقلاب است.»

تصمیم هیئت مرکزی حتی بر اینکه در عمان تاریخ این شخص را «بعثت سو» استفاده از موقعیت و مسئولیت های سازمانی و بعثت خرابکاری در درون سازمان «بعثت افشا» اسرار حزبی و بیان دروغ عائی بنام اسرار حزبی «ارسطوف» سازمان توفان اخراج کرد نیز کاملاً صحیح بود ما ست و تأیید میشود

۱- لنین کبیر خاطر نشان میسازد که «حزب با تصفی» خویش استحکام می یابد. «اینکه عنصری مانند ناشر جزوه و «سخنی با رفقا» از سازمان توفان ریشگی شده است مسلمان به یک پارچگی و وحدت سازمان ما و نیروی عمل او خواهد افزود. این حادثه برای هیئت مرکزی و برای همه سازمان ما تجربه آموزنده است و ثابت میکند که باید پیوسته همیار باشیم و با تکیه بر اصول مارکسیسم لنینیسم و با اعتماد به تود ما از هر کنگه نفوذ دشمن در صفوف توفان جلو گیریم.

۲- وظیفه کلبه ارکان ها و رفقای سازمانی است که ناشر جزوه را با تکیه بر نظریات و فعالیت ضد انقلابی او بنایسته عنصری ما جراجو مرتد و خائن افشا کنند.

۳- اینک بیش از پنج سال است که سازمان توفان با وفاداری بیخنده به مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسود در بن فعالیت انقلابی مشغول است. نفوذ بسیار آهسته و آرام ولی روز افزون سازمان ما در ایران زخار از ایران صر تشکلن نایب نیرویم محمد رضا شاه و ریزی نیست ها و سایر عنا ضد انقلابی با سازمان ما نشانده حقایق مبارزه ای است که در سازمان ما در پیش دارد. هیچ دروغ و افترا و سفطهای نخوا توانست این واقعیت را بپوشانند. آنچه رفقای ما را تر درون سازمان وحدت بخشیده و به فد اکاری روز بروز بیشتر و تضابط روز بروز آگاهانه و مستحکم تر رهنمون شده است چیز دیگری جز مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسود دون فعالیت انقلابی نیست. هیچ خباثتی هر چه بزرگ باشد نخواهد توانست در این واقعیت سرخست خلل ایجاد کند. بلکه برعکس رفقای ما را در دفاع از سازمان خویش و از منی و فعالیت انقلابی او و باید اترت و آزموه تر خواهد ساخت.»

دوره ۳... بقیه از صفحه ۴
 از نظر خوانندگان گرامی توفان میگردد:

«فغانه هیئت مرکزی سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان»

هیئت مرکزی سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان در جلسه نوامبر ۱۹۷۲ جزوه «سخنی با رفقا درباره سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان» و فعالیت نویسنده آن را در گذشته و حال مورد بررسی قرار داده و به نتایج زیرین رسیده است:

۱- جزوه «سخنی با رفقا» بمنظور مخدوش نشان دادن خط مشی و اصول تشکلاتی مارکسیستی لنینیستی سازمان ما و نفی ماهیت و فعالیت انقلابی او نوشته شده است. این جزوه سرشار از دروغ ها و افتراات و فتنه انگیزی های بیشترانه است و در عین حال برخی از اطلاعات مربوط با مبرم اخلاقی سازمان را در اختیار دشمنان سازمان واپس قرار میدهد. انتشار این جزوه خیانت به سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان و انقلاب ایران خدمت بد دشمنان خلق و سازمان امنیت ایران و رژیم محکوم شده است.

۲- این جزوه آثار فعالیت خرابکارانه ناشر آن نیست. شخص مذکور اینک ما هاست که با تمام قوا بتبلیغاتی بر علیه سازمان ما در زمینه مطالبه این جزوه و برانگیزد بد تروا آنها و به بخش اطلاعاتی درباره امور داخلی سازمان ما برانگیزد و سعی از آنچه در جزوه آمده دست زده است. وی ناجوانمردانه کوشید از اعتباری که سازمان نسبت با او برادر داشته بود برای جلب افراد غیر مطلع و جدا ساختن آنها از سازمان سو استفاده کند ولی جزو سرافکندگی نتیجه ای بدست نیاروند. اعضا و هواداران سازمان ما نهایت نفرت خود را نسبت با او و فعالیت خاکنانه اش را بر سر ز داشته و میدارند.

۳- جزوه «سخنی با رفقا» و فعالیت خصمانه ناشر آن بخراک نشان میدهد که هیچکس با سازمان توفان و با خط مشی و اصول تشکلاتی مارکسیستی - لنینیستی و فعالیت انقلابی سازمان مصیبت ندانسته است.

۴- در موردی که ناشر این جزوه در داخل سازمان - توفان فعالیت داشت هیئت مرکزی کلبه امکانات خوشتر را برای اصلاح و بنیاد او بکار برد. در همان موقع نیز در فعالیت این شخص سو تروکسیسم حاد و پر مغالطی و بی پروایی در دروغ و

تحلیل... بقیه از صفحه ۴
 در سرزمین ایران را نیز ندیده گرفته است. در این طرح اصلاً اشارهای هم به حقوق ملت های ایران نیست. چگونه میتوان از دموکراسی صحبت کرد و در عین حال تساوی حقوق ملت ها و حتی وجود آنها را مسکوت گذاشت؟ وحدت خلق ایران در ارتزوریک سونالیسم کارگری و تساوی کامل ملت های ایران است. برخلاف آنچه ارتجاع تبلیغ میکند شفاعت وجود ملت ها در ایران و قبول حق آنها در تمییم سرنوشت خویش عامل تجزیه نیست بلکه خمیرمایه وحدت است. بدین استقرار چنین جقی و وحدت دموکراتیک خلق ایران میسر نیست. نفی وجود ملت ها در ایران و روح آنها در تمییم سرنوشت خویش سنگ تفرقه ای است که میان خلق ایران افکنده میشود. دوستی آن جبهه ملی ماکه به وحدت خلق ایران علاقه مند اند باید بیسه قبول این حق نیز بپایند باشند.

طرح بنزنامه حتی جرات نکرده است تساوی اجتماعی زن و مرد و ستمزد تساوی در برابر کار و تساوی و اضربها پیش بکشد. و این عبارت تکی ضاعت ورزیده: «تأمین حقوق اجتماعی زنان و ایجاد شرایطی که زنان بتوانند در ساختن جامعه نوین ایران مسئولیت های اجتماعی و انقلابی خود را انجام دهند.»

و این «حقوق اجتماعی» ظاهر این است از حق طلاق و حق ار حق سنگی و حق اشتغال و غیره.

البته عبارت مذکور برای برخی از محافل دینفون در خزره و روزواری ایران خوش آیند تراست ولی از مقصبات حصول دموکراتیک ایران بسیار عقب است. چگونه میتوان از رهائی خلق ایران سخن گفت و درباره رهائی کامل نیی از این خلق تردید نمود و راه داد؟ دموکراسی را دیگرال باید در زمره خال به توده توجه داشته باشد نه به محافل و قشرهای معدود و شخصیت های انگشت شمار.

ما با همه درباره این برنامه سخن خواهیم گفت و امید داریم بحثی که برانگیزد میشود به تعقیب درک از مسائل جامعه ایران و بهره تقویت وحدت کلبه نیروهای دموکراتیک و ضد امپریالیستی یاری رسا

تصحیح لازم
 در شماره ۷۳ توفان در صفحه ۳ سطر ۲ «نگره» نهم صحیح است نه «نگره» هم.
 در همان شماره و همان صفحه سطر ۲ «کود تا سلاحانه» ضد انقلابی «صحیح است» نه «کود تا سلاحانه» آنه لای.»

عنوان جدید
 24030 VILLA D'ADDA/ ITALY
 حساب بانکی
 X GIOVANNA GRONDA
 CONTO 17549/11
 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
 MILANO/ITALY

گسترش و پیروزی انقلاب وابسته به وجود حزب انقلابی پرولتری است

«کادرها»

مدت سه سال است که عده‌ای تحت نام «کادرها» مستوفی و اعضا سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور از سازمان انقلابی جدا شده و راه‌های ملی را به سوی خود منحرف کرده‌اند. آنچه که مربوط به «سازمان انقلابی» است نظر سازمان ما روشن است، ولی لازم است که باین نظریه انحرافی که در جنبش کمونیستی ایران عده‌ای طلایه‌ارتر شده‌اند هم برخورد کنیم. انتقادی شود تا بشود سررا از ناسره باز شناخت.

تکامل این افراد که بنام «کادرها» معروف شده‌اند از آن تاریخ چگونه بوده است؟ آنچه در دید و نظر ما هر توده و محوزیم مشخصه آنان است تمایلات ضد تشکیلاتی و سازمان برافکن بوده است و تظاهرات گوناگون آنرا در زمینه‌های مختلف شاهد بود. این گذشت سه سال نیز تازگی «تیرتویی» که خود راسیاسی بنیاد کافی است تا بداند چه می‌خواهد و چه می‌باید و کافی است برای اینکه افکار خود را تدوین نموده و به قضاوت عموم بگذارد. اگر عده‌ای معتقد باشند که در جهت راه‌های جنبش کارگری گام بر میدارند خواه و نخواهد باید بدین سؤال پاسخ گویند که سکوت سه سال خود را که معلوم هم نیست تا چه مدت در بطول خواهد کشید چگونه می‌خواهند توجیه کنند؟ سه سال سکوت در قبال توطئه‌ها محمد رضاشاه و سه سال سکوت در قبال توطئه‌های ریزش نئیستیا چه سال سکوت در قبال عده متعین مسائل خادجامه ایران.

آیا بازو انقلابی اشراحت بر در است؟ آیا شروع مبارزه با ناکامی به سه سال اندیشه کردن نیازمند است؟ چندی پس از انتشار اعلامیه مذکور همراهِ بارشده مبارزات چریکی شهری که بطور عده توسط روشنفکران در ایران انجام می‌پذیرفت تشبیه‌ای که خود را «دفاع‌الامانی» جبهه آزاد می‌خواند ایران «می‌نماید بنام تبر» در خارج از کشور منتشر شد و بدون کوچکترین برخورد انتقادی به بسط و رواج کلیه نظریات چریک‌ها در خارج از کشور هفت گام داشت حال آنکه وظیفه کمونیست‌ها نظریات را بی طرفانه نیست بلکه برخورد در و گانه برای اصلاح نظریات و تعیین برسان و فرزند آن شریف خلق ایران است. اصولاً معلوم نبود کمونیست‌ها نه برنامه سیاسی دارند. نوعیت آید و توتونیک و سیاسی و اصولاً سازمانی نیستند و حتی مخالف سرسخت تشکیلات می‌باشند چگونه ناکامان جوان در قضاوت‌الامانی را دریافت داشتند وجه کسی این نمایندگان را بنام آنان صادر کرد و چرا پس از چند شماره ناکامان ناپدید شد؟ آیا صورت خویش را با این نهادگی از دست داد؟ آیا کرد اندکان آن از کرد و خویش نام شد و نوبت آنکه تابلوی «دفعه» آنها را عناصری زرتکریه محرق برزند؟ اینها سؤالاتی است که برای معترضه‌اند به انقلاب ایران مطرح می‌شود.

غرضی که بدو هم جمع گشته‌اند برای من و شما فاقه‌اند تشکیلاتی ولی در سقوط بین‌المللی البته که سازمانی تمام و کاملند و هرگاه لازم باشد از «انتقادات کادرها» سخن می‌گویند و خوشتر را بنام تشکیلاتی بزرگ جلوه میدهند و در صد و ایجا روابط بین‌المللی تیری آید ولی در سطح ملی ناکامان فاقه تشکیلاتی در ضمن سازماندهی میشوند. در واقع این حضرات در بین توده‌های مردم حوصله‌ای سازماندهی در سطح بین‌المللی در تماس‌های مختلف در آن سازمان و نشریات.

عده‌ای بدو هم جمع گشته‌اند که بر سر هم چیزی جز اختلاف نظریاتی نیستند و حدت ندارند. البته آنچه به معنی مشخص بود دارند و در آرای پلاکتری هستند و نه برنامه مشخص خود چنان بی‌خود خود را تبلیغ نمی‌کنند و اغدا سیاسی واقعی خض و طایفه این مرحله را بدون پوششی برای افشاح و بیکران و بلا طبقه کارگرمیان تصدیق دارند و آنوقت چگونه میتوان از اینان بعنوان یک جریان سیاسی صمیمی یاد کرد.

شمار اینان در مرحله فعلی شمار پرانگه‌ای است و نه تنها چون برانگه شده‌اند بلکه بر سر مبارزه برای بیکرانی با بیکران و حدت عملی خود آورده‌اند و وحدت عملی که هیچ‌گونه پایه‌سیاسی ندارند و نتیجه آن بقیه در صفحه ۳

در پیرامون طرح برنامه جبهه ملی
تحلیل طبقاتی یا نفی طبقات؟

وجود ندارد. طرح مذکور فاقد تحلیل طبقاتی است. تذکراتی نگه از آن جهت لازم است که بدون تحلیلی طبقاتی نمیتوان تصور صحیحی از جامعه بدست آورد و نمیتوان برنامه عملی برای تحولات آینده داشت. البته هیچ قضاوت اجتماعی خواه آگاهانه و خواه ناآگاهانه بدون سرچشمه طبقاتی نیست. ولی فقط کسانی میتوانند بمبارزات توده‌های زحمتکش روزنامه بدهند که این سرچشمه را بشکافند. سودتوده‌های زحمتکش در تشریح طبقاتی جامعه وجود ندارند. استوارگر از استعمارزده است. آنها باید این واقعیت را ببینند تا در تغییر آن بکوشند.

بیهوده نیست که شاه و هیئت فرمانروا اصرار بریزند که در ایران طبقات وجود ندارد. نفی طبقات بمعنای نفی مبارزه طبقاتی است و نفی مبارزه طبقاتی بمعنای اثبات حکومت دیرینه طبقات است.

در طرح برنامه عموماً از «مردم ایران» و «نیروهای خلقی ایران» یاد شده است. ولی نیروهای خلقی ایران نیز یک پارچه و یک دست نیستند و وزن مخصوص واحد ندارند و یکسان در انقلاب شرکت نمیکنند. حتی در انقلاب ملی و دموکراتیک ارتکبه بر توده‌ها کارگردان همان نباشد. اگرچه تجزیه‌اند اکثر آنها اقدام نشود انقلاب در زمینه راه خواهد ماند.

شکفت انگیز است که در بیان «عده‌های مشترک مبارزاتی متحد دموکراتیک» نیروهای جبهه ملی، یعنی در «اصول و خطوط کلی ساختمان جامعه‌ای که در مرحله کوئی انقلاب با خطرات مبارزه میکنند» حتی یک ماده یک ماده کوتاه هم راجع به حقوق اقتصادی و اجتماعی و سیاسی کارگران وجود ندارد. متکرار می‌کنیم: در ۱۱ ماده پیشنهادی جبهه ملی که در واقع برنامه دولت مطلوب آینده ما است طبقه کارگران را حتی فاقد یک ماده است! آیات طبقه کارگران ایران، عموم زحمتکشان ایران، عموم خلقی ایران میتوانند چنین برنامه‌های را بپذیرند؟ آیا در شرایط امروزی جهان و ایران هیچ دولت دموکراتیکی میتواند وجود داشته باشد که تا این حد به طبقه کارگری بی‌اعتنا بماند؟

طرح برنامه جبهه ملی فقط فاقد تحلیل طبقاتی است بلکه وجود ملت‌های گوناگون بقیه در صفحه ۳

در زمستان ۱۳۵۱ کمونیست‌ها شکل کنگره سازمان‌های جبهه ملی در خارج از کشور انتشار یافت سازمان مادر نامی بسسه روزنامه «باختار امروز» چنین نوشت: «این خبر موجب سرت گریه» همین پرستی است که آرزوی تشکیک و رشید و توام همه نیروهای دموکراتیک و ضد امپریالیستی اند. . . امید داریم که این کنگره و آغاز مرحله جدیدی در مبارزه و تشکیک علیه ارتجاع و استعمار را اما برنامه سیاسی که از این کنگره بیرون آمدن است که در مرحله کوئی مبارزات خلق ایران نبود. از این جهت ما بی‌سود میدانیم که بنظر کنگره به تشکیک و رشید و توام نیروهای دموکراتیک و ضد امپریالیستی ایران برخی از نظریات خود را در مورد برنامه سیاسی مذکور معروض بحث همگان و منجمله دوستان جبهه ملی بگذاریم.

نخستین نگاهی که در طرح برنامه چشم می‌خورد فقدان تحلیل طبقاتی است، نه فقط در برخورد با شرایط امروزی بلکه در برخورد با تمام تاریخ معاصر ایران. طرح برنامه کشیده است که پوششی از عبارات کلی و مبهم سر واقعیت مشخص مناسبات اجتماعی و تقسیم طبقاتی جامعه ایران بکشد. مثلاً جامعه پیش از انقلاب مشروطه را اینطور توصیف میکنند: «انحلال مناسبات کهن جامعه ایران با تلاش قشر بندی سنتی و گرایش بطرف پیدایش اقتدار طبقاتی نوین حاصل مناسبات جدید همراه بود».

از این عبارت چه میتوان فهمید؟ «تشریحی سنتی چیست و «اقتدار طبقاتی نوین» و «مناسبات جدید» کدام اند؟ این عبارت کلی را میتوان در مورد هر جامعه طبقاتی از بردگی گرفته تا فئودالی و سرمایه‌داری بکار برد و هر کس میتواند بنا بر تصور خود تعبیر خاصی از آن داشته باشد.

واما در مورد شرایط امروزی ایران اصولاً ذکر از چگونگی مناسبات اجتماعی و تقسیم طبقاتی در طرح برنامه نیست. اینک در روزگار محمد رضاشاه «فقر و بی‌سودای و فساد پیش از هر زمان بال شوم خود را بر سر اسر کشور گسترده و فساد و ارتشا بر همه شون مملکت مستولی گشت. . . روزگاری همه مردم روستاهای کشور باز هم سیاست‌شده. . . و غیره و غیره معلوم مناسبات اجتماعی و طبقاتی خاصی است که کمترین اشاره‌ای با آنها در طرح برنامه

دوره گرد فتنه انگیز

چندی است که سوداگری در کچه‌های اعتماد مردم میگردد. بر سینه خود برجسی زده است که عضو سابق هیئت مرکزی سازمان توفان و برگرد بار مندرس خویش با دست لوزان نوشته است: «اسناد جنجالی محرومان» و هر دم مانند کاسه کاران در روزگرد و در روز خواه فریاد میکنند: «آی کج کهنه» کلاه کهنه، کفش کهنه، بیار و آسان بپوش. و بشیره همه قاجاری فروشان بازار گری می‌کند. و جیب و بغل خود اشاور میزند که اجنا بهتر از این هم دارم. «خریدار! کجایی؟ بیجا!»

سروشاسی عده فروشی اوزار بر عده گرفته و در این زمینه سرمایه‌داری کرد مانند کمپانی ریزش نیست ها، کمپانی کابری کمپانی سازمان امنیت و برخی دیگر از کمپانی‌ها که رقابت سیاسی را از رقابت بازاری و وجهه درست را از دشمن تشخیص نمیدهند. عموماً جیره خاتنان به حزب و سازمان مارکسیستی - لنینیستی بیزه پس از جدائی آنها آشکار میشوند که قدرت مفاخر سیاسی مستقل ندارند. و نه شانزاد پراهنیاتی به پاپس و جبهه سانی در برابر سازمان ها و احزاب غیر مارکسیستی - لنینیستی روی می آورند. تمام سرمایه سیاسی و مایه نان خوردن آنها همان انتساب سابق به حزب و یا سازمان مارکسیستی - لنینیستی و همان «اطلاعات» از وضع درونی آن است.

دوره گرد فتنه انگیز نه خیر خیانت آورده و نه خاتم الخا است. تا مبارزه طبقاتی وجود دارد حائن طبقاتی نیز بطور خواهد رسید. صفوف انقلاب هرگز وجود ماجرا و فرصت طلب خالی نیست. اما کاروان رهبر و مایه شناس با این کجیخه‌ها از حرکت باز نخواهد ایستاد.

سازمان ما کوشش بسیار بکار برد که این فرد را براه باز آورد و هنگامی که اوضاع و احوال دشمنانه خویش را آغاز نهد بود هیئت مرکزی سازمان ما مایه یمن توان او را شکست و در آجا گفت:

«مبارز از چهار سال مبارزه در درون سازمان بشما آموخته است که مبارزه فردی و خصوصی به نتیجه‌های منجر نمیگردد مبارزه باید با یار و همت افکار و اعمال سازمان باشد تا حتی معلوم حقیقت پیروز شود. سازمان مادر بطول حیات خود نشان داده است که از این مبارزه باکی ندارد و یقین از این پس نیز باکی نخواهد داشت. بجرات میتوان گفت که شما هراند از افراد امروز حمله قرار دهید نخواهید توانست بر سازمان انقلابی پیشی گیرید و اسنادی پیدا کنید که «سازمان انقلابی» در نشریات خود چاپ نرزد و یاد رکوش این آن نگفته باشد. اگر این راه مبارزه بود، حال «سازمان انقلابی» استوار فیروز برجای ایستاده بود.

یک راه دیگر هم هست، راهی که بی خون دن آید بکار و آن راه نمایانیدن رفقای قدیم خود، نشان دادن سمت آنهاست، شاید نه با صراحت و وضوح بلکه با اشارات و گوشه‌های که همه کس آن را درمی یابد. اقتدار در چنین راهی ممکن است آتش کینه‌های را فرو نشاند، عواطف درونی نا سالمی را ارضا کند، ولی پایان آن. . . خود شما پایان چنین راهی آگاهید و توضیح بیشتری در این زمینه ضروری بنظر نمیآید. . . باشد که این تذکرات در دستانه و خالی از هرگونه شائبه در نزد آن رفیق موثر واقع گردد».

ولی متأسفانه مؤثر واقع نگردید و این فرد برای آنکه خود را بزرگ جلوه دهد و بزرگان ترفرنده چه دروغ‌ها که در باره سازمان ما و کادرها و مسئولین آن و مسئولیت شخص خویش که نساختم و تیرانگد و با انتشار اوراقی بعنوان «سخنی با رفقا در باره سازمان» مارکسیستی - لنینیستی «توفان» دست زردی باین مناسبت هیئت مرکزی سازمان ما در نوامبر ۱۹۷۳ قطعاً تصویب کرد و با اطلاع عموم رفقای سازمانی رسانید که اینک بسعه مناسبت نشنات اخیر فرد مذکور بقیه در صفحه ۳

پیروز باد جنگ عادلانه خلقی های عرب